



صمدخان ممتاز السلطنه

عبدالصمد خان یا به اختصار صمد خان ملقب به ممتاز السلطنه سیاستمدار و سفیر ایرانی در دوره **قاجار** در زمان **مظفرالدین شاه** و **محمدعلی شاه** بود.

فهرست مندرجات

۱ - زندگی‌نامه

۲ - مناصب ممتاز السلطنه

۳ - اطلاعات درباره ممتاز السلطنه

۴ - اعزام محصلین ایرانی به اروپا

۵ - سخنان ملک‌الشعراى بهار

۶ - وفات ممتاز السلطنه

۷ - پانویس

۸ - منبع

زندگی‌نامه

صمدخان نوه **محمد صراف تیریزی** قاتل مشهور **عباس قارمباغی** وزیرمختار ایران در دربار **فرانسه** بود. میرزا اسماعیل خان برادر کهنتر صمدخان بود. این دو از تربیت شدگان مکتب و افکار **علاءالملک** برادر کهنتر نظام‌الدوله بودند.

^[۱] شقاقی، میرز امهدی خان ممتحن‌الدوله و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، ص ۹۰، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵، چاپ اول.
صمدخان متولد ۱۲۸۸ در **تیریز** است. وی در ۱۳۰۷ وارد وزارت عدلیه شد. در ۱۳۰۸ مدال طلای علمی گرفت. سال بعد به عضویت کارگزاری **آذربایجان** و خدمت در وزارت خارجه وارد شد.

منصب ممتاز السلطنه

از مناصب او می‌توان به نیابت سیم **سفارت پترزبورگ** و منصب سرهنگی در ۱۳۱۰، نشان شیر و خورشید از درجه سوم در ۱۳۱۱، نیابت دوم سفارت پترزبورگ و نمایندگی دولت علیه در کنگره اکسپوزیسیون عمومی نباتات و فلاحت و نیابت سفارت فوق‌العاده در تشییع جنازه الکساندر سیم در ۱۳۱۲، نیابت اول سفارت پترزبورگ و شارژدافری سفارت پترزبورگ و لقب ممتاز السلطنه در ۱۳۱۵، وزیرمختاری لاهه، وزیرمختاری پاریس، نمایندگی در **کنفرانس صلیب احمر**، درجه اول ایزابل کاتولیک اسپانی، و بسیاری دیگر از مشاغل و درجات اشاره کرد.

^[۲] شقاقی، میرز امهدی خان ممتحن‌الدوله و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، ص ۱۸۳_ ۱۸۴.

اطلاعات درباره ممتاز السلطنه

بیشترین اطلاعات راجع به ممتاز السلطنه را می‌توان از لابلای خطرات افراد و به خصوص کسانی که به **پاریس** **مسافرت** کردند، به دست آورد. از جمله این‌ها که ظل‌السلطان در خطرات خود و در سفرنامه‌اش می‌گوید که در **سفر** پاریس مورد استقبال صمدخان وزیرمختار ایران در پاریس قرار گرفت. (به همراه وزیرمختار **فرانسه** در تهران).

^[۳] ظل‌السلطان، مسعودمیرزا، خطرات ظل‌السلطان، ج ۳، ص ۱۱۷، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ اول.

عبدالله مستوفی نیز در خطرات خود در بخش خود عزیمت به پاریس از صمدخان و در جای دیگر از برادرش ممتاز السلطان که آن‌ها را در هتل راهنمایی کرده نام می‌برد.

^[۴] مستوفی، عبدالله، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه یا شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۲۲۲، تهران، زوار، ۱۳۷۱، چاپ سوم.

عبدالحسین مسعودانصاری از دیگر کسانی که به پاریس سفر کرده در خاطراتش از صمدخان می‌گوید: «... مرحوم ممتاز السلطنه روی لطفی که به من داشت و روی بی‌لطفی به مقررات بمن اجازه داده بود که صبح‌ها به مدرسه عالی مهندسی بروم و شب‌ها در دفتر سفارت نامه‌ها را تهیه کنم و به این ترتیب هم من راضی بودم و هم وزیرمختار ولی سایر رؤسای من باین ترتیب راضی نمی‌شدند، آن‌ها پای‌بند مقررات اداری بودند و می‌خواستند که من مرتباً سرخدمت باشم. حق هم با آن‌ها بود. خدمت دولت بود و شوخی نداشت...»

اعزام محصلین ایرانی به اروپا

در سال ۱۲۹۰ وزارت معارف تصمیم گرفت، عده‌ای از جوانان مستعد ایرانی را برای ادامه تحصیل به اروپا اعزام دارد. از این رو بیست نفر از جوانان را انتخاب کرد و تحت سرپرستی **ریشارخان** به اروپا فرستاد. پاره‌ای از این افراد پس از اتمام تحصیل در **فرانسه** و گرفتن گواهینامه عالی آموزگاری، به ایران برمی‌گشتند و برخی هم قصد ورود به دانشگاه پاریس را داشتند. داشتن گواهینامه عالی به منزله گواهینامه دبلم متوسطه (باکالورنا) محسوب می‌شد و به دارننگن این مدرک جواز ورود به دانشگاه را می‌داد. در سفارت ایران در پاریس شخصی به نام «نظر آقا» کارهای محصلین دولتی را انجام می‌داد و کسانی که قصد ورود به دانشگاه پاریس را داشتند، می‌بایست با «نظر آقا» **مشورت** کنند تا او با کسب اجازه از وزیر مختار (صمدخان ممتاز السلطنه) و بلکه دولت ایران اقدام نماید. در این سفر قرار شد طبق معمول در اروپا برای هر یک از محصلین نام خانوادگی انتخاب شود. پس از ورود این هیئت به پاریس، با کمک و مساعدت صمدخان ممتاز السلطنه، وزیر مختار در پاریس، که مرد قدرتمند و با نفوذی در پاریس شده بود، محصلین اعزامی در بهترین مدارس جای گرفتند.

۱۶۱ عاقلی، باقر، زندگینامه و شرح حال وزرای امور خارجه، ص ۳۷۵، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، چاپ اول.
بنابراین در آن سال‌ها صمدخان سرپرستی کلیه محصلین دولتی و غیردولتی را به عهده داشت. از جمله این محصلین می‌توان به محمدعلی‌خان فرزند **ممتحن‌الدوله** نام برد که برادرش هادی‌خان نیز در پاریس مشغول بود. وی طبق دستور پدرش به محض ورود به پاریس خود را به سفارت ایران معرفی و نامه‌ها و احکام وزارت خارجه و وجوهی که برای منت‌شش ماه تحصیل با خود داشت به ممتاز السلطنه تسلیم کرد و با سفارش کتبی او و راهنمایی برادرش به مدرسه شبانه‌روزی انستیتوسیون ژیرار که مدیر آن مسیو مرلوزو بود و نسبت به محصلین ایران عموماً کمال مساعدت و مراقبت در تحصیل و زندگی آن‌ها می‌نموده وارد می‌شود.

۱۶۲ خان‌شقاوی، خاطرات ممتحن‌الدوله، ص ۳۴۰، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، چاپ دوم.

سخنان ملک‌الشعراى بهار

ملک‌الشعراى بهار در تاریخ مختصر احزاب خود می‌نویسد: «در اوایل ۱۳۳۸ (ه. ق) (احمد) شاه مصمم شد که به فرنگستان برود و نصرت‌الدوله وزیر خارجه نیز با او همراه شد و به **اسلامبول** رفته با پدرش **محمدعلی میرزا** که بعد از **انقلاب روسیه** وارد **اسلامبول** شده و اقامت جسته بود ملاقت کرد و دربار خلافت از او پذیرایی گرمی کرد. به تحریک **احتشام‌السلطنه** سفیر ایران که با وثوق‌الدوله و نصرت‌الدوله بد بود از وزیر خارجه پذیرایی بسیار زشتی کردند و حتی در روزی که شاه به نهار دعوت داشت و مهمان سلطان بود، وزیر خارجه و یک نفر همراه انگلیسی که جزء موبک شاه از **تهران** عزیمت کرده بودند دعوت نشدند و مقارن وقت ناهار از قصر سلطان بازگشتند. همچنین صمدخان ممتاز السلطنه سفیر پاریس خواست بازی احتشام‌السلطنه را تجدید کند و با روابط زیاد و خصوصیتی که شاه با صمدخان داشت احتمال دارد که از طرف شاه نیز انگشتی بشیر زده شده بود. ولی نصرت‌الدوله دست پیشکی زده صمدخان را از سفارت کبیری در پاریس **عزل** کرد و در مهمان‌خانه‌ای که منزل داشت سفارت ایران را باز کرد و بیرق ایران را برپا نمود، معذک صمدخان دست از تحریکات خود برداشت و سیاسیون پاریس و جرابد ملی را همدست کرده و به وزیر خارجه و به دولت ایران حملاتی به عمل آورد. به بهانه عقد **قرارداد** دولت را طرف تعرض خود ساختند و حتی نوشته شد که دولت رسمی ایران **صمصام‌السلطنه** است که هنوز **استعفا** نداده است و در نتیجه این صحبت‌ها از شاه نیز پذیرایی خوبی در پاریس به عمل نیامد. مأمورین مجلس **صلح** نیز به همین دلیل کاری نکردند و رسوایی بر رسوایی افزودند و یک کلمه از دعوی ایران در بلب خسارات وارده از **جنگ** و بر هم‌زدن بی‌طرفی این مملکت پیش نرفت و کسی اعتنایی نکرد. این‌همه دنباله بد ادایی **احمدشاه** و نتیجه اختلاف نظر بین او و رئیس‌الوزراء بود.»

۱۶۳ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۷-۳۸، تهران، امیرکبیر.

وفات ممتاز السلطنه

سرانجام وی در ۱۳۳۳ در سن ۸۴ سالگی در **پاریس** (قبرستان پرلاشز) درگذشت.

۱۶۴ مسعود انصاری، عبدالحسین، خاطرات سیاسی و اجتماعی (مروری بر پنجاه سال تاریخ)، ص ۲۰۶، تهران، علمی، ۱۳۷۴، چاپ دوم.

پانویس

۱. ↑ شقاوی، میرزամهدی خان ممتحن‌الدوله و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، ص ۹۰، تهران، اساطیر، ۱۳۶۵، چاپ اول.

۲. ↑ شقاوی، میرزَامهدی خان ممتحن‌الدوله و میرزاهاشم خان، رجال وزارت خارجه در عصر ناصری و مظفری، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۳. ↑ ظل‌السلطان، مسعودمیرزا، خاطرات ظل‌السلطان، ج ۳، ص ۱۱۷، تهران، اساطیر، ۱۳۷۵، چاپ اول.

۴. ↑ مستوفی، عبدالله، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه یا شرح زندگانی من، ج ۲، ص ۲۲۲، تهران، زوار، ۱۳۷۱، چاپ سوم.

۵. ↑ مسعود انصاری، عبدالحسین، زندگانی من و نگاهی به تاریخ سیاسی ایران و جهان، ج ۲، ص ۸۱، تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱.

۶. ↑ عاقلی، باقر، زندگینامه و شرح حال وزرای امور خارجه، ص ۳۷۵، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۹، چاپ اول.

۷. ↑ خان‌شقاوی، خاطرات ممتحن‌الدوله، ص ۳۴۰، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲، چاپ دوم.

۸. ↑ بهار، محمدتقی، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۷-۳۸، تهران، امیرکبیر.

۹. ↑ مسعود انصاری، عبدالحسین، خاطرات سیاسی و اجتماعی (مروری بر پنجاه سال تاریخ)، ص ۲۰۶، تهران، علمی، ۱۳۷۴، چاپ دوم.

